

ارزشیابی آموزشی در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)

سیدعلی حسینی زاده*

چکیده

هدف این مقاله بررسی ارزشیابی به‌ویژه ارزشیابی آموزشی در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که در سیره معصومان(ع) انواع ارزشیابی از قبیل ارزشیابی معلم و فراگیر، ارزشیابی تشخیصی، تکوینی و پایانی، ارزشیابی شفاهی، ارزشیابی انفرادی، ارزشیابی هدف‌گرا و ارزشیابی مشارکتی مورد توجه بوده است.

واژه‌های کلیدی

ارزشیابی، ارزشیابی آموزشی، سیره، سیره تربیتی، سیره پیامبر(ص)، سیره اهل بیت(ع)، سیره آموزشی.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانشجوی دکترای دانشگاه تهران

Email: ali_hosseini@hawzeh.ac.ir

مقدمه

مسئله ارزشیابی در تعلیم و تربیت به‌ویژه در بخش آموزش از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چراکه دست‌کم از سه جهت بر روند آموزش مؤثر است: یکی از جهت نقشی که در برنامه‌ریزی آموزشی و انتخاب مواد آموزشی دارد و دیگری از جهت تأثیری که در اصلاح و بهبود روند و کیفیت آموزش دارد و سومی از جهت نقشی که در شناسایی سطح علمی دانش‌آموزان و در نتیجه ارتقای آنان ایفا می‌کند. در تعلیم و تربیت اسلامی لازم است موضوعات و مسائل تربیتی بر آموزه‌های اسلام عرضه شود تا در صورتی که اسلام در مورد آنها نظر و یا پیشنهاد خاصی دارد، از آن استفاده شود و یا دست‌کم عدم مغایرت راه‌حل‌های انسانی و تجربی با اصول و قوانین اسلامی احراز شود.

از سوی دیگر اسلام در باره مسائل مستحدثه‌ای که پس از صدر اسلام مطرح شده‌اند و می‌شوند به طور مستقیم و جزئی کمتر سخن گفته است و بیشتر درباره آنها به طور کلی سخن گفته است و یا اصولی کلی از آنها را مطرح کرده است تا جزئیات را بر آنها منطبق کنند و یا حکم جزئیات و مسائل مستحدثه را از آن کلیات به دست آورند. البته این بدین معنا نیست که اسلام درباره این مسائل و جزئیات آنها اصلاً سخن نگفته است، بلکه گاه در مورد جزئیات نیز گرچه به‌طور غیرمستقیم و ضمنی نکاتی را مطرح کرده و یا دست‌کم می‌توان آنها را در آیات، روایات و یا سیره معصومان(ع) به دست آورد. این کار با دقت متخصصانی که مسئله برای آنها مطرح است در آیات و روایات و سیره و سخنان معصومان(ع) محقق می‌شود؛ چراکه اسلام مدعی این نیست که همه علوم را به طور کامل به دست بشر داده است؛ بلکه جاهای خالی و منطقه الفراغ بسیاری به‌ویژه در امور دنیوی برای بشر باقی گذاشته است که متخصصان باید در اثر تجربه و پیشرفت علم و یا غور در آیات و روایات به آنها دست یابند.

با توجه به این دو نکته مسئله ارزشیابی آموزشی را در این مقاله بر آموزه‌های اسلامی به‌ویژه سیره معصومان(ع) عرضه می‌شود تا اصول کلی یا نکاتی که در این زمینه وجود دارد اصطیاد شود.

ارزشیابی در سیره معصومان(ع)

الف) ارزشیابی تربیتی

با توجه به مطالعات انجام شده می‌توان گفت دو دسته گزاره در متون اسلامی درباره ارزشیابی مطرح است؛ دسته اول گزاره‌هایی که مسئله ارزشیابی و ضرورت آن را به طور کلی مطرح کرده‌اند. دسته دوم گزاره‌هایی است که مسئله ارزشیابی آموزشی و احیاناً چگونگی آن را به صورت ویژه مطرح می‌کنند. درباره دسته اول آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که از فتنه و امتحان انسان سخن می‌گوید: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؛ آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند» (عنکبوت، آیه ۲) و یا می‌فرماید: «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ؛ و هر کس باید بنگرد که چه چیزی برای فردایش پیش فرستاده است» (حشر، آیه ۱۸) و همچنین می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرنند؟» (زمر، آیه ۹).

همچنین روایات متعددی در زمینه محاسبه نفس وارد شده است؛ از جمله پیامبر اکرم(ص) فرمود: «حاسبوا انفسكم قبل از تحاسبوا و زنوا قبل ان توزنوا و تجهزوا للعرض الاكبر؛ از خود حساب بکشید قبل از اینکه به حساب شما برسند و خود را ارزیابی کنید، پیش از آنکه شما را ارزیابی کنند و برای عرضه بزرگ آماده سازید» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۱، ص ۳۸۰).

حضرت علی(ع) نیز می‌فرماید: «جاهد نفسك و حاسبها محاسبه الشريك شريكه و طالبها بحقوق الله مطالبه الخصم خصمه، فان أسعد الناس من إنتدب لمحاسبه نفسه؛ با نفس خود مبارزه کن و مانند شریکی که از شریک خود حساب می‌کشد حساب بکش و حقوق خدا را از او مانند دشمنی که از دشمن حقوق خود را طلب می‌کند بخواه؛ زیرا سعادت‌مندترین مردم کسی است که بر محاسبه نفس سخت‌گیر باشد» (نوری، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۵۴).

نکته‌ای که از مجموع این روایات می‌توان استفاده کرد اینکه در ارزشیابی تربیتی،

ارزیابی کننده خود فراگیر و ارزیابی شونده است و او باید همواره از خود ارزیابی کند و ملاک این ارزیابی نیز چنان که در برخی روایات آمده است: «من استوی یوماه فهو مغبون» (صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۷۶۶) پیشرفت نسبت به روز قبل است.

بنابراین مسئله ارزشیابی به طور کلی و در همه امور از مسائل مهمی است که در اسلام بر آن تأکید شده است و تا حد جهاد، به آن ارزش داده شده است، بلکه جهاد اکبر شناخته شده است و امام کاظم (ع) کسی را که روزانه به ارزشیابی خود و اعمال خود نپردازد از خود طرد کرده است؛ «لیس منا من لم یحاسب نفسه فی کل یوم فان عمل حسنا استزاد الله وان عمل سیئا استغفر الله منه و تاب الیه» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۹۶).

علمای اخلاق نیز در این زمینه بحث‌های مفصلی دارند و یکی از روش‌های تربیت اخلاقی را تربیت از راه مشارطه، مراقبه و محاسبه می‌دانند (فیض کاشانی، ۱۴۰۲ق، ج ۸، ص ۱۴۹-۱۹۲) که می‌توان مشارطه را به منزله تعیین اهداف تلقی کرد که با توجه به ارزشیابی تشخیصی یا ورودی مشخص می‌شود و مراقبه را نظارت و کنترل بر عمل که همان ارزشیابی تکوینی است و نیز محاسبه را ارزشیابی پس از عمل یا ارزشیابی پایانی دانست. اینها کلیاتی است که انسان را به ارزشیابی خود، در هر یک از کارهایش دعوت می‌کند تا حقوق خدا، خود و دیگران و میزان پرداخت هر یک را، در خود به ارزیابی بنشیند و براساس آن ارزیابی، به اصلاح خود بپردازد. از این گزاره‌های کلی می‌توان استفاده کرد که ارزیابی آموزشی نیز یکی از انواع ارزیابی است که انسان می‌تواند از طریق آن میزان دستیابی به اهداف آموزشی را ارزیابی کند و براساس آن به اصلاح عیب و نقص‌های آموزشی بپردازد.

ب) ارزشیابی آموزشی

ارزشیابی آموزشی به صورت خاص هم در سیره معصومان (ع) مطرح است و یکی از مسائل مهم آموزشی در سیره آنان تلقی می‌شود. یکی از اهداف اصلی ارزشیابی در هر کاری، شناخت میزان آمادگی دانش‌آموز و اقدام درست براساس آنهاست. این شناخت در مسائل آموزشی، به آموزگار و دانش‌آموز در برنامه‌ریزی‌های آینده کمک خواهد

کرد؛ زیرا معلم می‌تواند براساس این ارزشیابی، محتوای آموزشی خود را مشخص کند و نیز می‌تواند براساس آن به نقص و ضعف‌هایی که ممکن است در ضمن تدریس وی وجود داشته باشد، پی ببرد و به جبران و برطرف کردن آنها بپردازد. بررسی بازده فعالیت‌های آموزشی نیز پس از پایان یافتن آنها نیز از دیگر اهداف ارزشیابی‌های آموزشی است. این سه نوع ارزشیابی را به ترتیب ارزشیابی تشخیصی، ارزشیابی تکوینی و ارزشیابی پایانی می‌نامند (بازرگان، ۱۳۸۰، ص ۲۳). در سیره اهل بیت(ع)، گرچه شاگردان به صورت رسمی و پیوسته، ارزشیابی نمی‌شوند، ولی آن بزرگواران گاه شاگردان خود را ارزیابی علمی می‌کردند. ارزشیابی در سیره، به پایان دوره آموزشی اختصاص ندارد، بلکه هرگاه امام لازم بداند، برای آگاهی از سطح استعداد و توانایی آنان، میزان یادگیری شاگردان، آگاه ساختن شاگردان از میزان علم و جهل‌شان و مانند آنها، به ارزیابی آنان اقدام می‌کند. این‌گونه ارزشیابی که گاه ممکن است در ابتدای آموزش و گاه در حین آموزش و نیز گاه در پایان آموزش صورت گیرد، از کارایی بیشتری برخوردار است؛ زیرا دانش‌آموز را وادار می‌کند که همواره به مطالعه و یادگیری آموخته‌ها بپردازد و همیشه آمادگی لازم را برای امتحان داشته باشد؛ در نتیجه، مطالعه را برای شب امتحان به تأخیر نمی‌اندازد. در سیره اهل بیت(ع)، نمونه‌هایی از هریک از ارزیابی‌های یاد شده، مشاهده می‌شود؛ این سیره پیامبر(ص) می‌تواند نمونه‌ای از ارزیابی، در ابتدای آموزش (ارزیابی تشخیصی یا ورودی) باشد.

میمون بن عبدالله می‌گوید: عده‌ای نزد امام صادق(ع) آمدند تا حدیث بیاموزند. امام به من فرمود: آیا هیچ‌کدام از اینها را می‌شناسی؟ گفتم: خیر؛ فرمود: پس چگونه نزد من آمده‌اند؟ گفتم: اینان گروهی هستند که از هر سو حدیث می‌آموزند و برایشان مهم نیست که از چه کسی می‌آموزند. امام از یکی از آنان پرسید: آیا از غیر از من نیز حدیث آموخته‌ای؟ عرض کرد: بله؛ امام فرمود: برخی از آنچه شنیده‌ای را برای من بازگو! گفتم: من آمده‌ام تا از شما حدیث بشنوم نه اینکه برای شما حدیث بگویم....

در نهایت، امام او را وادار کرد تا برخی از آنچه را که شنیده بود، برای امام بازگوید؛ اما چون امام دانست که اینان کسانی هستند که از هر کس حدیث می‌شنوند و به صحت و سقم آن

کاری ندارند، حدیثی متناسب با وضع آنان بیان کرد و فرمود: «اُکْتُب: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» حدیثی اَبی عن جدی قال: ما اسمک؟ قال: ما تسأل عن اسمی. ان رسول الله (ص) قال: خلق الله الارواح قبل الاجساد بألفی عام ثم أسکنها الهواء فما تعارف منها ائتلف ههنا، و ما تناكر منها ثم اختلف ههنا و من کذب علينا اهل البيت حشره الله يوم القيامة أعمى يهوديًا و إن أدرك الدجال آمن به و إن لم یدرکه آمن به فی قبره؛ بنویس: به نام خداوند بخشنده مهربان، پدرم از جدم برایم روایت کرد. یکی از آنان گفت: نام تو چیست؟ فرمود: از نامم می پرس. پیامبر خدا (ص) فرمود: خداوند ارواح را دو هزار سال قبل، از بدن‌ها خلق کرد، سپس آنان را در هوا [آسمان] مسکن داد. آن روح‌هایی که در آنجا یکدیگر را می‌شناختند، در اینجا نیز با هم انس و الفت دارند و آن روح‌هایی که در آنجا یکدیگر را نمی‌شناختند، در اینجا نیز با هم اختلاف پیدا می‌کنند و هرکس به ما اهل بیت دروغی نسبت دهد، خداوند او را در قیامت کور و یهودی محشور می‌گرداند و اگر دجال را درک کند، به او ایمان می‌آورد و اگر او را درک نکند، در قبر به او ایمان می‌آورد» (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۹۲).

در این سیره - چنانکه روشن است - امام (ع) برای گزینش محتوای آموزشی، ابتدا از وضعیت آموزشی و روحی آنان پرسید، آنگاه متناسب با آن، محتوای آموزشی را گزینش کرد و برای آنها بیان کرد.

جابر نیز می‌گوید: «رسول خدا (ص) از من پرسید: هرگاه به نماز می‌ایستی، چگونه قرائت می‌کنی؟ گفتم: می‌گویم: "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ". پیامبر (ص) فرمود: بگو: "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ"....» (نوری، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۶۸).

از این سیره استفاده می‌شود که در صورت اشتباه آزمودنی در فهم و یادگیری بلافاصله پس از ارزیابی باید اشتباه او را اصلاح کرد و یادگیری صحیح را ارائه کرد. همچنین ابراهیم ابی‌البلاد می‌گوید امام کاظم (ع) از من پرسید: در سلام بر پیامبر (ص) چه می‌گویی؟ گفتم: آنچه که می‌دانم و برای ما روایت شده. امام فرمود: آیا آنچه بهتر از آن است را به تو یاد ندهم. گفتم: بله، فدایت شوم. امام باخط خود درحالی که من نشسته بودم برایم نوشت و آن را برایم خواند... (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۱۵۴).

سؤال امام صادق(ع) از مفضل بن عمر را نیز می‌توان نمونه‌ای از ارزیابی در حین آموزش یا ارزشیابی مرحله‌ای یا تکوینی دانست. در این سیره، امام در حین مباحثه با مفضل، فرمود:

«یا مفضل! و ما علمک بان الظالم لا ینال عهد الامامة؟ قال المفضل: یا مولای! لا تمتحنی بما لا طاقه لی به و لا تختبرنی و لا تبتلنی، فمن علمکم علمت و من فضل الله علیکم اخذت؛ مفضل! به چه دلیل می‌گویی امامت به ظالم نمی‌رسد. مفضل گفت: آقای من! مرا به آنچه بر آن توان ندارم امتحان نکن و مرا مورد آزمون و امتحان قرار مده، من از علم شما آموخته‌ام و از فضل خدا بر شما گرفته‌ام» (همان، ج ۵۳، ص ۲۵).

در این روایت به گفته مفضل، امام در صدد امتحان و آزمایش او بود و او اقرار کرد که علم من همه از شماست و من فراتر از آن نمی‌دانم. البته امام در صدد ارزیابی یادگیری او نبود، بلکه می‌خواست بداند میزان آگاهی و آشنایی مفضل با قرآن و تأمل او در قرآن چگونه است؛ زیرا در سؤال بعدی، امام از او درباره آیاتی که کافران را ظالم می‌داند، پرسید و مفضل نیز پاسخ داد.

ارزیابی امام صادق(ع) از مناظره اصحاب خود، نمونه‌ای دیگر از ارزیابی مرحله‌ای است. هشام ابن سالم می‌گوید: نزد امام صادق(ع) بودیم که مردی از اهل شام اجازه ورود خواست، امام اجازه داد. شامی وارد شد و سلام کرد. امام به او فرمود که بنشین، سپس پرسید: نیابت چیست؟ شامی عرض کرد: شنیده‌ام به هرچه که از شما بپرسند، آگاهی؛ از این رو، آمده‌ام تا با شما مناظره کنم.

- امام فرمود: در مورد چه چیز مناظره کنی؟

- عرض کرد: در مورد قرآن و حروف مقطعه آن، سکون، جر، نصب و رفع آن (تفسیر و اعراب قرآن).

- امام فرمود: اگر بر حمران پیروز شدی، بر من پیروز شده‌ای!

شامی با حمران مناظره کرد و شکست خورد، سپس خواست در زبان عربی مناظره کند. امام ابان بن تغلب را معرفی کرد. شامی با او مناظره کرد و شکست خورد. در کلام و توحید و امامت و علوم دیگر نیز با مؤمن طاق، هشام بن حکم و طیار مناظره کرد و

شکست خورد. در پایان امام(ع) مناظرات و سخنان اصحاب خود را در حضور آنان برای شامی ارزیابی کرد^۱ و نقاط مثبت و منفی هریک را چنین بیان کرد: اما حمران، از «حق» سؤال کرد و تو آن را نمی دانستی و او بر تو غلبه کرد؛ اما ابان، حق را با باطل آمیخت و با قیاس بر تو غلبه کرد، و اما طیار، مانند پرنده‌ای فرود و فراز داشت و تو مانند پرنده‌ای بودی که قدرت پرواز نداشتی، و اما هشام بن سالم فرود و فراز بهتری داشت، و اما هشام بن حکم به حق سخن گفت و تو را مبهوت ساخت... (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۵۴).

به این ترتیب امام(ع) آموخته‌های شاگردان خود را ارزیابی کرد و به آنان فهماند که کدام یک از این راه‌ها درست‌تر است. ارزشیابی واقعی همین است؛ یعنی باید به متریبان فهماند که در چه سطحی هستند و آنچه آموخته‌اند صحیح است یا نه و اینکه آیا آن را به درستی به کار می‌گیرند یا نه؟ نه اینکه تنها میزان آموخته‌ها را ارزیابی کنیم. ارزشیابی‌های آموزشی امروز در مدارس و دانشگاه‌ها بیشتر امتحان از میزان یادگیری یا بهتر بگوییم حفظ است نه ارزشیابی یادگیری. زیرا ارزشیابی مستلزم قضاوت است؛ درحالی‌که در ارزشیابی‌های مدارس و دانشگاه‌های کنونی کمتر قضاوتی در کار است، مگر قضاوت درباره قبولی یا مردودی افراد که این هم قضاوتی است که برنامه آموزشی می‌کند نه معلم و دست‌اندرکاران آموزشی.

این ارزیابی امام، علاوه بر اینکه ارزیابی از فراگیران خود است می‌توان آن را ارزیابی از معلمان و مربیان نیز دانست، زیرا این افراد گرچه از شاگردان امام بودند و هنوز در محضر امام تحصیل می‌کردند، ولی در این مأموریت مربیان و معلمانی بودند که در صدد آموزش به دیگری و یا مناظره با دیگری بودند. بنابراین می‌توان گفت در سیره معصومان(ع) علاوه بر فراگیران، معلمان و مربیان نیز گاهی مورد ارزیابی قرار می‌گرفتند و با توجه به آن، توصیه‌های لازم را به معلمان ارائه می‌کردند. این سیره نیز می‌تواند نمونه دیگری از ارزیابی معلمان تلقی شود.

۱. در روایتی دیگر، در بحارالانوار آمده است که امام در پایان، به هریک از این افراد رو کرد و سخن آنان را برایشان ارزیابی نمود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۹، حدیث ۱۲).

اسماعیل بن احوال از سوی امام صادق(ع) مأموریت یافت برای آموزش قرآن و امور دینی به بصره برود. پس از بازگشت، امام از چگونگی مأموریت و استقبال مردم از آموزه‌های او و موفقیت او پرسید. او پاسخ داد مردم استقبال کمی کردند و شیعیان اندک‌اند. امام فرمود: عَلَیْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَأَنْتُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ، بر تو باد به جوانان، زیرا آنها در پذیرش نیکی‌ها سریع‌ترند (حسینی‌زاده و حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲).

این سه سیره نیز می‌تواند نمونه‌هایی از ارزیابی پس از آموزش یا ارزشیابی پایانی باشد.

از امام صادق(ع) روایت شده که روزی از یکی از شاگردان خود پرسید: «از من چه آموخته‌ای؟» عرض کرد: هشت مسئله از شما آموخته‌ام. امام فرمود: «آن‌ها را برایم بازگو». عرض کرد: اول اینکه دیدم هر محبوبی دوست خود را به هنگام مرگ رها می‌کند؛ از این رو، همّت خود را صرف چیزی کردم که مرا در تنهایی رها نکند، بلکه انیس تنهایی‌ام باشد و آن کار نیک است. امام فرمود: به خدا قسم، چه نیک آموخته‌ای...» (ورام، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۱۱).

حمّاد بن عیسی نیز می‌گوید: «امام صادق(ع) روزی به من فرمود: آیا نیکو نماز می‌گزاری؟ عرض کردم: آقای من! من کتاب حرّیز را در نماز حفظم؛ امام فرمود: حفظ آن بر تو لازم نیست، بلند شو و نماز بگزار! حمّاد می‌گوید: در برابر امام رو به قبله به نماز ایستادم، و رکوع و سجده به جای آوردم. امام فرمود: حمّاد نیکو نماز نمی‌گزاری! چه زشت است برای انسانی که شصت یا هفتاد سال از عمرش بگذرد و یک نماز کامل با تمام حدود و شرایطش اقامه نکرده باشد. حمّاد می‌گوید: در خود احساس سرافکنندگی کردم و به امام عرض کردم: فدایت شوم! نماز را به من بیاموز! امام رو به قبله ایستاد و... (نوری، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۸۳).

از این سیره می‌توان استفاده کرد که در ارزشیابی باید به سطوح پایین یادگیری نیز توجه کرد تا یادگیری عمیق‌تر شود. در دیدگاه اسلامی آخرین درجه یادگیری، عمل به آموزه‌هاست (حسینی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۵۲) و از نظر بلوم نیز سومین درجه یادگیری در حیطه‌شناختی کاربست آموزه‌هاست (سیف، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰). در این ارزشیابی به

سطوح اولیه یادگیری یعنی حفظ و حتی درک و فهم اکتفا نمی‌شود، بلکه امام(ع) از سطح عمل می‌پرسد.

همچنین روزی پیامبر گرامی اسلام(ص) به مسجد آمد، مردی نیز وارد مسجد شد و نماز گزارد؛ سپس نزد پیامبر(ص) آمد و سلام کرد. پیامبر(ص) سلام او را پاسخ داد و فرمود: برگرد و نمازت را بخوان که نماز نخوانده‌ای! آن مرد نمازش را دوباره خواند و نزد پیامبر(ص) آمد و سلام کرد. پیامبر(ص) باز فرمود: برگرد و نماز بخوان که نماز نخواندی! تا سه بار پیامبر(ص) چنین کرد. آن مرد پس از بار سوم که درمانده شده بود و نمی‌دانست عیب نمازش کجاست، عرض کرد: به آن خدایی که تو را به حق برانگیخت، من بهتر از این نماز یاد ندارم، تو آن را به من بیاموز... (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۱۹۲)؛ پس پیامبر(ص) کیفیت نماز صحیح را به او آموخت.

از این سه سیره نیز استفاده می‌شود که اولاً، در صورت صحیح بودن پاسخ آزمودنی بلافاصله باید صحت آن را تأیید کرد و ثانیاً، خوب است که آزمودنی را مورد تحسین و تشویق قرار دهیم. البته تأکید بر تحسین است که هزینه چندانی ندارد و آثار آموزشی و تربیتی خوبی نیز دارد. همچنین در صورتی که آزمودنی آموزه‌ها را به درستی نیاموخته و یا اشتباه آموخته است باید آنها را دوباره به او آموخت و به صرف ارزشیابی اکتفا نکرد؛ چراکه هدف ارزشیابی یادگیری است و ثالثاً، در ارزشیابی باید به نتایج و استنباط‌های فراگیر از آموزه‌ها توجه کرد نه آنچه فراگیر در حافظه خود نگه داشته است؛ از این رو، امام وقتی شاگردش در ارزشیابی، دستاوردهای خود را بیان می‌کند او را تحسین می‌کند.

نکته‌ای که از سیره سوم استفاده می‌شود این است که در ارزشیابی باید فرصت جبران و اصلاح را به آزمودنی‌ها داد تا در صورتی که بتوانند آموزه‌های خود را بازنگری کرده و خود به اصلاح آنها پردازند. این امر به توانایی آنها کمک کرده و در نتیجه به اعتماد به نفس آنها کمک می‌کند.

امروزه در بخش ارزشیابی آموزشی در روش تدریس به لزوم سه نوع ارزشیابی برای آموزگار اشاره می‌شود: ۱. ارزشیابی تشخیصی یا ورودی؛ ۲. ارزشیابی مرحله‌ای یا تکوینی؛ ۳. ارزشیابی پایانی.

به نظر می‌رسد هر سه نوع ارزشیابی در برنامه آموزشی معصومان(ع) وجود داشته است؛ گرچه به صورت منظم نبوده و با این نام‌ها مطرح نبوده است، ولی در عمل آن بزرگان هر سه نوع ارزشیابی را گاهی به کار می‌بردند و از نتایج آموزشی آن بهره‌مند می‌شدند.

نکته‌ای که در ارزشیابی معصومان(ع) دیده می‌شود این است که آنان ارزشیابی را همچون آموزش، منحصر در مکان‌های آموزشی نمی‌کردند، بلکه در هر زمان و مکانی که با این مسئله مواجه می‌شدند که یادگیرنده‌ای در یادگیری دچار اشتباه شده و یا در به کارگیری آموخته‌های خود دچار اشتباه شده است به ارزیابی از یادگیری و کاربرد آموزه‌های او می‌پرداختند و راه و روش صحیح را به او می‌آموختند. این امر مبتنی بر این اصل است که در دیدگاه آنها اصولاً آموزش منحصر به مکان و زمان خاصی نیست (حسینی‌زاده، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۵۷). در این زمینه سیره زیر گویاست:

ابوعبدالله اشعری می‌گوید: پیامبر(ص) با یاران خود نماز خواند. سپس در میان گروهی از یاران خود نشست. مردی وارد شد و نماز خواند؛ درحالی‌که رکوع نمی‌کرد و سجده کردنش مانند متقار زدن به زمین بود. پیامبر(ص) هم به او نگاه می‌کرد. پیامبر(ص) فرمود: می‌بینید! این فرد اگر بمیرد بر دین محمد نمرده است. در نمازش نوک بر زمین می‌زند، چنان‌که کلاغ برای خوردن خوردن بر زمین نوک می‌زند. مثل کسی که نماز می‌خواند اما رکوع نمی‌کند و در سجده نوک بر زمین می‌زند، مانند گرسنه‌ای است که جز یک یا دو دانه خرما نمی‌خورد و گرسنگی‌اش را برطرف نمی‌کند. وضو را کامل بگیرید و رکوع و سجود را تمام انجام دهید (نوری، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۹، روایت ۵).

در سیره دیگری امام کاظم(ع) به کسی که در رکوع کمرش را صاف نگه نمی‌داشت، تذکر می‌دهد و او را از آن کار نهی می‌کند. علی بن عقبه می‌گوید: امام کاظم(ع) مرا در مدینه دید درحالی‌که نمازمی‌گزاردم و در رکوع، سرم را بالا گرفته و کمرم را صاف نگرفته بودم. کسی نزد من فرستاد که این کار را نکن (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۳۲۱، روایت ۹). نکته دیگری که در ارزشیابی معصومان(ع) به آن توجه شده است، مسئله

هدف‌گذاری و هدف‌گرایی در ارزشیابی است. یعنی هم باید برای ارزشیابی هدف‌گذاری کرد و هم باید ارزشیابی براساس آن هدف صورت گیرد؛ به عبارت دیگر، گاهی ممکن است فراگیر مطلبی را یاد گرفته باشد، ولی با توجه به هدفی که ما از این نوع یادگیری داریم یادگیری کامل نباشد و یا گاهی یادگیری در سطحی پایین صورت گرفته باشد، ولی با توجه به هدفی که ما از این نوع یادگیری داریم کفایت می‌کند و همین مقدار یادگیری هدف ما را تأمین می‌کند. بنابراین باید اولاً برای ارزشیابی هدف‌گذاری شود و ثانیاً با توجه به هدف ارزشیابی صورت گیرد. در این سیره هر دو نوع هدف‌گذاری و هدف‌گرایی در ارزشیابی صورت گرفته است.

هشام بن حکم از امام صادق(ع) درباره اسم‌های خدا و مشتقات آن پرسید، امام پاسخ او را داد. سپس فرمود: هشام! آیا به گونه‌ای فهمیدی که با آن بتوانی دشمنان ما و ملحدان به خدا را رد کنی؟ هشام عرض کرد: آری؛ امام فرمود: خدا آن را به حال تو سودمند گرداند و تو را ثابت‌قدم بدارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۲۹۵).

در این سیره امام ابتدا هدف ارزشیابی را برای هشام بیان می‌کند و سپس از او می‌خواهد که خود را ارزشیابی کند. یعنی علاوه بر هدف‌گذاری و هدف‌گرایی در ارزشیابی، نکته دیگری هم در اینجا مطرح است و یا نوع خاصی از ارزشیابی است که می‌توان آن را خودارزشیابی نامید. این ارزشیابی تقریباً شبیه ارزشیابی مشارکتی است که برخی مطرح کرده‌اند و آن این است که آزمودنی خود در ارزشیابی شرکت می‌کند (بازرگان، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲) و این در صورتی است که ارزیابی‌شونده هم از قدرت لازم برای ارزیابی برخوردار باشد و هم به او اعتماد لازم باشد که به نحو صحیحی خود را ارزیابی می‌کند. همچنین برخی از آیات و روایاتی که در ابتدای مقاله ذکر کردیم بر خودارزشیابی، به ویژه در ارزشیابی تربیتی تأکید دارند. مانند: «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِإِقْدٍ» (حشر، آیه ۱۸) و «حاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا...» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۱، ص ۳۸۰).

نکته دیگری که از مجموع سیره‌های فوق استفاده می‌شود این است که ارزشیابی‌ها باید به صورت مخفیانه باشد؛ به عبارت دیگر، اگر نتیجه ارزشیابی مثبت است مانعی ندارد که در جمع مطرح شود، ولی اگر نتیجه آن منفی بود نباید آن را در جمع بیان

کرد. چنانکه ملاحظه می‌شود در سیره‌های فوق موردی که نتیجه مثبت داشته است و امام یا معصوم به تحسین ارزیابی‌شونده می‌پردازد، توسط شخص دیگری نقل شده است؛ اما در مواردی که نتیجه ارزیابی منفی است توسط خود شخص ارزیابی‌شده نقل شده است و این حاکی از این است که فرد دیگری در موقع ارزیابی حضور نداشته است؛ مگر در یک مورد که پیامبر در حضور جمع بدون توجه به خود شخص ارزیابی‌شونده، رفتار او را ارزیابی می‌کند. البته در این باره نیز می‌توان گفت که چون عمل شخص در منظر و دید دیگران بود و همه آن را مشاهده کردند، امام درباره آن سخن گفت و یا اینکه چون زمان پیامبر(ص)، آغاز دوره آموزشی اسلام بوده است. اگر کسی به درستی یاد نگرفته بود، مورد مذمت قرار نمی‌گرفت و یا به تشخیص پیامبر(ص) در این مورد آثار مثبت ارزیابی در جمع بیشتر از آثار منفی آن برای فرد ارزیابی‌شونده بوده است و گرنه قاعده کلی ارزیابی به صورت فردی است.

نکته دیگری نیز که می‌توان از این سیره‌ها استفاده کرد این است که ارزیابی شفاهی بیشتر مورد توجه معصومان بوده است. البته ممکن است دلیل این امر این بوده باشد که مترجمان در آن زمان بیشتر شفاهی می‌آموختند و سواد نوشتن آموخته‌های خود و یا امکانات نوشتن را نداشتند، ولی اگر زمان ائمه را نیز در نظر بگیریم، می‌بینیم که ارزیابی‌های آنها نیز شفاهی بوده است و باید توجه دیگری داشته باشد و آن این است که در ارزیابی شفاهی امکان تأیید یا اصلاح صریح وجود دارد؛ برخلاف ارزیابی کتبی. به عبارت دیگر، ارزیابی کتبی بیشتر امتحان خواهد بود تا ارزشیابی و با اهداف ارزشیابی واقعی هماهنگ‌تر است.

نکته دیگری که از سیره درباره ارزشیابی می‌توان استفاده کرد این است که در ارزشیابی باید بسیار دقیق بود تا حقی از کسی ضایع نشود، به‌ویژه در مورد کودکان و جایی که رقابت وجود دارد و شرایط به‌گونه‌ای است که فراگیران قدرت درک تفاوت‌ها را ندارند. به همین دلیل گاهی معصومان(ع) در این گونه موارد از ارزشیابی پرهیز می‌کرده‌اند. سیره زیر بیانگر حساسیت ارزشیابی در مواردی خاص است.

حسن و حسین(ع) خط می‌نوشتند و یکی به دیگری می‌گفت خط من بهتر است و

آن دیگری می‌گفت نه، خط من بهتر است. سرانجام خط خود را نزد مادر آوردند و فرمودند شما ارزیابی کنید. حضرت فاطمه(س) که نمی‌خواست یکی را ناراحت کند؛ فرمود: از پدرتان بخواهید ارزیابی کند. آنها نزد پدر رفتند. پدر نیز که نمی‌خواست یکی از آنها اذیت شود به پیامبر(ص) حواله کرد و آن حضرت نیز به همین دلیل به جبرائیل و او نیز به اسرافیل و اسرافیل نیز به خدا حواله کرد و خدا نیز فرمود: من بین شما قضاوت و ارزیابی نمی‌کنم و مادر شما فاطمه باید بین شما ارزیابی کند و حضرت نیز به گونه‌ای ارزیابی کرد که مساوی شدند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۳۰۹).

بنابراین ارزیابی‌های آموزشی ما اولاً، باید بسیار دقیق باشد و ثانیاً، در مورد کودکان یا باید آنها را ارزیابی نکنیم و یا به گونه‌ای ارزیابی کنیم که احساسات آنها جریحه‌دار نشود و حساسیت‌های آنها در ارزیابی مورد توجه قرار داده شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد نکات زیر در مورد ارزشیابی در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) به دست می‌آید:

۱. در سیره و سنت معصومان(ع) مسئله ارزشیابی، هم به صورت عام و کلی یعنی ارزشیابی تربیتی مطرح است و هم ارزشیابی به معنای خاص یا ارزشیابی آموزشی و در هر صورت تأکید بر خودارزشیابی است.
۲. در سیره و سنت معصومان(ع) تنها ارزشیابی پس از تدریس مطرح نیست، بلکه ارزشیابی در بدو تدریس و ضمن تدریس نیز مطرح است و معصومان(ع) هر از گاهی یکی از این انواع ارزشیابی را به کار می‌گرفتند و از نتایج آموزشی آن بهره‌مند می‌شدند.
۳. در سیره تنها فراگیران مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرند، بلکه معلمان و مربیان نیز هر از گاهی مورد ارزیابی قرار می‌گرفتند و براساس آن آموزش‌های لازم و اصلاحاتی در اطلاعات آنها صورت می‌گرفت.
۴. در سیره ارزشیابی تنها به امتحان خلاصه نمی‌شود، بلکه بلافاصله پس از امتحان قضاوت و ارزشیابی صورت می‌گیرد و در صورت صحیح بودن یادگیری تأیید و در

- غیر این صورت اصلاح یا تکمیل می‌شود و عیب و نقص‌ها برطرف می‌گردد؛
۵. همچنین معصومان(ع) پس از ارزیابی در صورت مثبت بودن یادگیری فراگیر را مورد تحسین و تشویق قرار می‌دادند تا از این طریق یادگیری را تقویت کنند؛
۶. در ارزشیابی باید به نتایج و استنباط‌های فراگیر از آموزه‌ها توجه کرد، نه آنچه فراگیر در حافظه خود نگه داشته است؛ از این رو، امام وقتی شاگرد امام در ارزشیابی دستاوردهای خود را بیان می‌کند او را تحسین می‌کند.
۷. در ارزشیابی نباید سخت‌گیر بود، بلکه باید به آزمودنی‌ها فرصت اصلاح آموزه‌ها داده شود. این کار به اعتماد آنها به خود در یادگیری کمک می‌کند.
۸. در سیره ارزشیابی معمولاً به صورت شفاهی صورت می‌گیرد؛ چرا که این نوع ارزشیابی با اهداف ارزشیابی که تأیید یا اصلاح یادگیری است سازگارتر است و بلافاصله پس از امتحان امکان ارزشیابی و تأیید یا اصلاح وجود دارد. همچنین در این نوع ارزشیابی بهتر می‌توان به آزمودنی‌ها فرصت اصلاح و بازبینی آموزه‌ها داد.
۹. در سیره هم گاهی برای ارزشیابی هدف‌گذاری می‌شود و هم براساس هدف ارزشیابی صورت می‌گیرد و ارزشیابی هدف‌گرا مطرح است.
۱۰. در سیره ارزشیابی‌ها معمولاً به صورت انفرادی صورت می‌گیرد، به‌ویژه در مواردی که امکان عدم موفقیت ارزیابی‌شونده برود؛ زیرا حفظ آبروی ارزیابی‌شونده از وظایف مریبان است. اما در مواردی که ارزیابی‌شونده در ارزشیابی موفق شود مانعی ندارد که در جمع نیز مطرح شود.
۱۱. در سیره ارزشیابی گاه به صورت مشارکتی صورت می‌گیرد و امام از خود فراگیران یا ارزیابی‌شونده‌ها می‌خواهد که از خود ارزیابی کنند و شاید بتوان گفت با توجه به سفارش‌هایی که در روایات به محاسبه نفس شده است، اساس ارزشیابی در سیره بر ارزشیابی مشارکتی و یا خود ارزشیابی است.
۱۲. ارزشیابی در برخی موارد، به‌ویژه درباره کودکان و کسانی که قدرت درک تفاوت‌ها را ندارند از حساسیت زیادی برخوردار است و یا باید در این گونه موارد از ارزیابی اجتناب کرد و یا باید به گونه‌ای ارزشیابی کرد که مقایسه‌ای صورت نگیرد و

اگر ناچار به چنین کاری شدیم باید نتیجه ارزیابی به گونه‌ای باشد که احساسات خدشه‌دار نشود.

۱۳. در ارزشیابی نباید به سطوح اولیه یادگیری اکتفا کرد، بلکه باید از سطوح عمیق‌تر یادگیری نیز پرسید که در دیدگاه اسلامی عمیق‌ترین سطح یادگیری عمل به آموزه‌ها و یا یاد دادن آن به دیگران است و در دیدگاه دانشمندان تربیتی ترکیب و ارزشیابی است.

منابع

- قرآن کریم (بی تا). ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: دار القرآن الکریم.
- ابن شعبه حرانی، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین (۱۳۶۳ ش - ۱۴۰۴ ق). *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۰). *ارزشیابی آموزشی*، چاپ اول، تهران: سازمان سمت.
- بخاری جعفری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ ق). *صحیح بخاری*، بیروت: دارالفکر.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۶۷). *وسائل الشیعه* (۲۰ جلدی)، چاپ ششم، تهران: انتشارات اسلامیة.
- حسینی زاده، سید علی (۱۳۸۵). *سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع): نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش های دینی*، ج ۴، چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی زاده، سیدعلی و محمدعلی حاجی ده آبادی (۱۳۸۵). *بررسی مسائل جوانان در روایات*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان فرهنگی، هنرس شهر تهران.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۰). *روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزش)*، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسن (۱۴۱۷ ق). *الامالی*، چاپ اول، قم: مؤسسه بعثت.
- طوسی، ابی جعفر (۱۴۰۴ ق)، *اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی*، تحقیق سیدمهدی رجائی، مؤسسه آل البيت.
- فیض کاشانی، مولی محسن (۱۴۰۲ ق/ ۱۹۸۳ م). *المحجة البيضاء*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). *الکافی*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق). *بحار الانوار*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۹ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.

ورّام، الزاهد ابوالحسین (۱۳۶۸). *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورّام)*، تهران: دارالکتب العلمیه.